

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هفتم، شماره‌ی بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۰۵-۱۳۷

بررسی سیاست‌های مذهبی سربداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات

رامین یلفانی*، مجید حاجی تبار**

چکیده

پس از مرگ ابوسعید (۷۱۶-۷۳۶ ق)، آخرین ایلخان بزرگ مغول، سربداران (۷۳۷-۷۸۳ ق) از میان قیام‌های تاثیرگذار گروه‌های محلی، موفق به تشکیل حکومت گردیدند که با توجه به شرایط پیش‌رو، در دوره‌های مختلف حکومتشان سیاست مذهبی متفاوتی در پیش گرفتند. این پژوهش با استفاده از نشانه‌شناسی سکه‌ها تلاش دارد بدین پرسش پاسخ دهد که سیر تطور سیاست مذهبی سربداران چگونه بوده است؟ نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که در سال‌های آغازین، سکه‌های شاهان مغولی خراسان به نشانه پذیرش استیلای دولت ایلخانی در قلمرو سربداران رایج بوده و در دوره‌ی دوم؛ سربداران سکه‌های بی‌نام به طراز اهل تسنن ضرب کردند که حکایت از سیاست مدارا و مصلحت‌اندیشی آنان دارد. سکه‌های سومین دوره، مظاهری از نظام دین‌سالار بنیادگرا (توکراسی رادیکال) است و گاه چنان اغراق شده که نام حضرت مهدی (عج) با عنوان سلطان محمد المهدی آمده است. اصطلاحی که در میان شیعیان اثنی عشری مقبول نبوده و نیست.

واژه‌های کلیدی: مسکوکات، سربداران، سیاست‌ها مذهبی، نظام دین‌سالار، بنیادگرا.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی - واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری

ایمیل: rayalfani@yahoo.com

** دکتری باستانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات ایمیل: hajitabarm@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۴ تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۷/۴

مقدمه

به دنبال فروپاشی و انحطاط قدرت ایلخانان بزرگ در ایران به ۷۳۶ ق. هرج و مرج سیاسی سرتاسر ایران را فراگرفت. عدم حضور دولتی مقتدر موجب پیدائی دولت‌ها و سلسله‌های متعدد محلی با عقاید مذهبی در سرزمین‌های مختلف شد. یکی از سلسله‌های محلی، سربداران است که به جهت حضور شماری از پهلوانان، سربدال هم خوانده شده‌اند.^۱ در نیمه اول قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) قیام سربداران از نظر وسعت بزرگترین و از لحاظ تاریخی مهم‌ترین نهضت ایران بوده است. حرکتی که با ماهیت و جوهره مذهبی مسئله وراثت حکمران را از میان برد و مردم نیز برای احقاق حق خویش همواره از آن پشتیبانی کردند. جریان تاریخی که در نیمه راه با تکیه بر مذهب تشیع اثنی عشری به صورت سیاسی و نظامی و فکری به نواحی دیگر سرایت کرد. مردمی‌ترین جنبش تاریخ میانه ایران که پس از شکل‌گیری به سرعت دچار انحطاط و سقوط گردید.

از مهمترین ابعاد فرهنگی سربداران، ترویج فرهنگ انتظار به مثابه یکی از مولفه‌های اصلی تشیع است. جنبش مردمی و مذهبی سربداران در دو شاخه شیخیان و نظامیان رشد کرد و سرزمین‌های وسیعی را در خراسان، استرآباد، مازندران و سمنان به تصرف خویش درآورد. سربداران بلافاصله پس از تشکیل حکومت سکه ضرب نکردند، بلکه از سکه‌های امیران مغول استفاده کردند. با تثبیت حکومت و برتری بر مغولها در ۷۴۸ ق. اولین سکه‌های سربداران بدون نام امرا ضرب شد که در ابتدا طرازی با گرایش مذهبی سنی داشت و در دوره‌ی آخر، سکه‌ها ساختاری متفاوت گرفته و با شعائر مذهبی شیعه دوازده امامی ضرب و رایج شد. سکه‌های رایج سربداران چه در دورانی که به نام شاهان ایلخانی ضرب شده و چه در زمانی که هیچ ایلخانی را به رسمیت نشاخسته و با شعائر مذهبی اهل تسنن و یا شیعیان دوازده امامی ضرب شده است، نشانه‌هایی از رفتارهای سیاسی و مذهبی را بر خود دارد. رفتارهای عقیدتی که در مواجهه با شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوت و

۱. محمد شبانکاره‌ای (۱۳۷۶)، مجمع‌الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ص ۳۲۶، ۳۲۸.

بررسی سیاست‌های مذهبی سربداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۰۷

متغیر بوده است. سکه‌های سربداران این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا سکه‌ها بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی دچار تغییر شده‌اند؟ و نقش و جایگاه سکه‌ها در شناخت عقاید و سیاست‌های دینی و مذهبی سربداران چقدر موثر و مفید است؟ و آیا می‌توان با رویکرد سکه، جایگاه و اهمیت مذهب را در سیاست‌های حکمرانان سربدار شناخت؟ سکه سند متقن سربداران، دستاویز این مطالعه است تا با استناد به داده‌های آن، تاریخ و جغرافیای سیاسی و افکار و عقاید و رفتارهای سیاسی و مذهبی حاکمان شناخته شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نخستین سکه‌های سربداران بدون نام و با شعائر لاله‌الله / محمد رسول‌الله و اسامی خلفای راشدین ضرب شده است که طراز اهل تسنن دارد. از ۷۵۹ ق. سکه‌ها با شعائر شیعی رایج شد و علی ولی‌الله و اسامی ائمه اطهار (ع) جایگزین شعائر پیشین شد.

دو تحقیق در این پژوهش مورد توجه بوده است؛ نخست؛ کتاب خروج و عروج سربداران، تالیف جان ماسون اسمیت است، که براساس مطالعات سکه‌شناسی، در تمایل کلی سربداران اولیه به تشیع امامیه تردید وارد کرده است؛ اما در کل باز هم آنها را جزو شیعیان می‌داند. دلیل او هم، اندکی سکه‌ها با طرح شیعه است. دوم، پایان نامه دکتری محسن جعفری مذهب است که آن نیز تاکید در مذهب تسنن سربداران تا زمان علی موید دارد و ادعای او نیز بر اساس سکه‌های باقی مانده از سربداران است.

این پژوهش با شیوه توصیفی و تحلیلی، به دنبال بازسازی و بازنمایی افکار و اندیشه‌های مذهبی امیران با تکیه بر مسکوکات بر جای مانده از سربداران است و با دیدگاه محسن جعفری مذهب نزدیک‌تر است. با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده عینی و بررسی مضامین و مفاهیم کتیبه‌ها، سیاست‌های مذهبی سربداران بررسی و تحلیل خواهد شد.

مختصری از تاریخ و جغرافیای سربداران

از قیام‌های تاثیرگذار بر جریان‌های سیاسی خراسان در میانه قرن هشتم ق. نهضت مذهبی سربداران (۷۳۶-۷۸۸ ق) است. مردانی از روستای باشتین بیهق که زیاده‌خواهی ماموران

مالیاتی دستگاه حاکم ایلخانی، به سان انبار باروت، آنان را شعله‌ور ساخت. سرداران به دو دسته یا فرقه تقسیم شده‌اند، یکی سرداران و نظامیان و دیگر شیخیان یا درویشان^۱ که نیروی نظامی و سیاسی سرداران خوانده می‌شدند و مسلک و روش پهلوانی داشتند. روشی که مخالف تصوف بوده و جنبه اجتماعی آن قوی‌تر است، نیروی مذهبی و صوفیه شیخیه نام دارد. دو مسلک در شکل‌گیری حکومت سرداران در کنار هم قرار گرفتند.^۲ دو شاخه نظامی و شیخی سرداران، روابطی توأم با تقابل و تعامل با یکدیگر در پیش گرفتند. زمینه‌ساز سلسله سرداران، تعلیم و آموزه‌های گروه شیخی است که شاخه نظامی به هنگام احساس قدرت، آنها را کنار زدند. بنا بر این لازم است دو شاخه شیخی و نظامی و تاثیرات آنها بررسی گردد.

با قتل عامل ایلخانی به دست عبدالرزاق و همراهان وی در قریه باشتین از توابع سبزوار، اتفاق بر آن شد اختیار از کف نداده و تا برکندن ریشه ظلم و ستم مبارزه نمایند و یا سر خود را بر دار ببینند.^۳ بدین سان گروهی در سبزوار پدید آمد که خود را سردار نامیدند. عبدالرزاق پیش از این، در دستگاه دیوانی ایلخانی عامل کرمان بود.^۴ علت قتل عامل ایلخانی بی‌حرمتی به اهالی باشتین و طلب شراب و شاهد بود.^۵ پس از این اتفاق. ایلچیان برای دستگیری عوامل قتل به باشتین آمدند که با مقاومت مردم به سرداری عبدالرزاق، مواجه شدند. دریافت مالیات‌های سنگین، ظلم و تعدی بیش از حد سربازان ایلخانی و مزدوران داخلی بر مردم، موجب حرکتی شد که در راس آن عبدالرزاق به عنوان اولین سردار قرار داشت.^۶ زمینه و پیشینه‌ی این حرکت به شیخ خلیفه روحانی، مبارز

-
۱. ای. پ. پطروشفسکی (۱۳۶۱)، *نهضت سرداران خراسان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بی‌نا، ص ۹۳.
 ۲. مهدی فتحی‌نیا، "رابطه دین و دولت نزد سرداران، تاریخ درآئینه پژوهش، س ۶، ش ۳، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵.
 ۳. عبدالرزاق سمرقندی (۱۳۵۳)، *مطلع السعدین و مجمع البحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی*، تهران: امیر کبیر، ص ۱۴۶.
 ۴. امیرعلاالدین بختیشاه دولت‌شاه سمرقندی، (۱۳۳۸)، *تذکره الشعرا*، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۲۰۸.
 ۵. فصیح خوافی (۱۳۳۹)، *مجمعل فصیحی (مجمعل التواریخ)*، تصحیح محمود فرخ، تهران: اساطیر، ص ۵۰.
 ۶. یعقوب آژند (۱۳۶۴)، *قیام سرداران*، تهران: گستره، ص ۱۳۴.

بررسی سیاست‌های مذهبی سرداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۰۹

شیعی، بر می‌گردد که به هدایت و تحریک مردم برای قیام علیه ظلم و ستم پرداخته بود. سخنان شیخ خلیفه، بیش از همه در میان مردم خراسان و طبرستان که تعداد شیعیان در آن مناطق بسیار زیاد بود، مورد قبول واقع شد. ظهیرالدین مرعشی، نژاد و شرایط اجتماعی ایرانیان و مقابله با امرای ترک و متغلبان را دلیل این حرکت یاد کرده است.^۱



با تسخیر سبزوار در ۷۳۷ ق. عبدالرزاق به نام خود خطبه خواند و اعلام استقلال کرد و شهرهای رادکان، جوین، اسفراین، جاجرم و بیارجمند نیز به تصرف عبدالرزاق در آمد،^۲ مدتی بعد، عبدالرزاق به دست برادرش وجیه‌الدین مسعود به قتل رسید. وی پایه‌های دولت را قوام بخشید و در این کار از شیخ حسن جویری که بیشتر مردم ولایت تحت تعالیم انقلابی او قرار داشتند، یاری گرفت.^۳ مسعود سرانجام، در جنگ مازندران مغلوب طغای

۱. میرسید ظهیرالدین مرعشی (۱۳۴۵)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به‌کوشش محمدحسین

تسییحی، تهران: شرق، ص ۱۰۳.

۲. مطلع السعدین و مجمع البحرين، ص ۲۰۹.

۳. قیام سرداران، ص ۱۴۵.

تیمور شد و در ۷۴۵ ق. کشته شد.^۱ حکومت وی هفت سال و چهار ماه ادامه داشت. محمد آی تیمور که بیشتر به جناح نظامی سرداران گرایش داشت، حکومت سرداران را در دست گرفت. وی از خزانه، هدایائی به سرداران بخشید تا جناح سردار را با خود همدل سازد.^۲ مخالفت اشراف و درویشان و تمایل وی به خواجه شمس‌الدین علی، ابتدا آی تیمور را خانه‌نشین و سپس قتل وی را در ۷۴۷ ق. به همراه داشت.^۳ کلو اسفندیار با سیاست اعتدالی، به جای ارجحیت به درویش یا سرداران، مردم عادی و غلامان را بهاء داد. سیاستی که کار حکومت را از زینت انداخت و منجر به قتل وی با ائتلاف نیروهای سرداری و درویشان در ۷۴۸ ق. شد.^۴

امیر علی شمس‌الدین جانشین کلو اسفندیار، با بی‌کفایتی زمینه حمله طغاتی‌مور را فراهم ساخت و دو جناح سردار و درویشان، شمس‌الدین علی را در ۷۴۹ ق. به جای وی به حکمرانی رساندند. شمس‌الدین علی با تشکیل دولت متعادل بر مخالفین فائق آمد.^۵ سرانجام وی به دست حیدر قصاب تمغاچی (مامور مالیات) و با موافقت یحیی کراوی در ۷۵۲ ق. به قتل رسید. یحیی کراوی با سیاست اعتدالی و قتل طغاتی‌مور، متصرفات سرداران را گسترش داد و استرآباد، بسطام، دامغان، سمنان، خوار (نزدیک ورامین) و طابریان (طابریک ری) را از آن خود ساخت.^۶ با قتل یحیی کراوی، خواجه ظهیرالدین کراوی تنها چهل روز حکمرانی کرد.^۷ حیدر قصاب امیر بعدی در حصار قلعه برای دفع امیر لطف‌الله توسط حسن دامغانی به قتل رسید.^۸

۱. مطلع السعدین و مجمع البحرین، ص ۲۰۵.

۲. میرخواند، (۱۳۷۵)، *روضه الصفا*، ج ۵، به کوشش عباس زریاب خویی، تهران: علمی، ص ۶۱۴.

۳. *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۷۴.

۴. *قیام سرداران*، ص ۱۶۳، ۱۶۱-۱۶۰.

۵. جان مسن اسمیت (۱۳۶۱)، *عروج و خروج سرداران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی و تاریخی، ص ۱۵۷.

۶. *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۸۵.

۷. *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، ص ۲۷۲.

۸. *قیام سرداران*، ص ۱۸۷.

دامغانی با ورود به سبزوار، امیر لطف‌الله را به حکومت رساند و پس از یک سال و چند ماه، وی را در ۷۵۹ ق. به قتل رساند و خود بر اریکه قدرت تکیه زد. وی درویش‌عزیز را پس از شورش، با دو خروار ابریشم به اصفهان تبعید کرد. ضعف دولت دامغانی، موجب سر برآوردن علی موید به عنوان یک مدعی شد. خواجه علی موید، درویش‌عزیز را برای جلب توجه مردم، به سوی خود فراخواند و نیروهای منهزم شده جنگ، با امیر ولی* به خواجه علی پیوستند. سبزوار به تصرف علی موید درآمد و حسن دامغانی خود را تسلیم کرد و به قتل رسید.^۱ علی موید پس از اختلاف با درویش‌عزیز به سرکوبی جناح درویشان پرداخت و دستور داد آرامگاه‌های شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری را تخریب نمایند و در منابر زبان به لعن این دو شیخ بگشایند.^۲

دوران حکمرانی سربداران را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دولت آغازین و کاملاً سنی مذهب (البته متظاهر به سنی مذهب) از آغاز تا زمان

پهلوان حسن دامغانی؛

۲- دولت میانی و انتقالی از مذهب تسنن به مذهب تشیع (از زمان پهلوان حسن تا

علی موید)؛

۳- دولت شیعی مذهب علی موید.^۳

ابن بطوطه، حکومت سربداری را رفضی مذهب معرفی کرده است که سودای برانداختن مذهب تسنن از خراسان را در سر داشت.^۴ شیخ خلیفه اندیشه‌های گروه شیخی را بنیاد نهاد و آموزه‌های وی با محتوای عدالت اجتماعی در بحبویه‌ی بحران‌های سیاسی خراسان، *امیرولی از سرداران مازندران بود که بارها به قلمرو سربداران یورش برده و بخشی از متصرفات سربداران برای مقاطعی در اختیار داشت. امیر ولی در جنگ با حسن دامغانی وی را مغلوب ساخت. این شکست فرصت شورش علی موید در دامغان را ایجاد کرد؛ شورش وی که بنا به شواهد سکه‌شناسی، احتمالاً سال ۷۵۹ ق. رخ داده است؛ عروج و خروج سربداران، ص ۲۰۹، ۹۰.

۱. قیام سربداران، ص ۱۹۳-۱۹۲.

۲. تذکره الشعراء، ص ۲۱۶.

۳. محسن جعفری مذهب، «استقرار تشیع در حکومت سربداران»، به راهنمایی دکتر علی بیگدلی، پایان

نامه‌ی دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۶-۱۵

۴. ابن بطوطه (۱۳۴۸) سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: آگاه، ص ۴۶۴.

و آموزه‌های وی با محتوای عدالت اجتماعی در بحبویه‌ی بحران‌های سیاسی خراسان، شیخ را محبوب کرد. افکار اجتماعی و ظلم ستیزانه مذهب شیعه در قالب حرکت‌های مردمی منجر به قیام شد. در ۷۳۶ ق. شیخ خلیفه در مسجد سبزوار به دار آویخته شد؛ برخی، وی را صوفی و عارف متعلم از تعالیم شیعی با دغدغه‌ی حل مشکلات مردم بر اساس مبانی فکری شیعی خوانده‌اند.^۱ با مرگ شیخ، شاگردش حسن جوری به مبارزه مردمی پیوست و بازوی عقیدتی جنبش سربداران را شکل داد؛ او با اتخاذ ایدئولوژی ظهور قریب‌الوقوع امام زمان، افراد را برای قیام عمومی آماده ساخت.^۲ بعدها این اندیشه، دچار انحراف شد و تبلور آن را در دوره‌ی درویش عزیز می‌توان یافت، که دولت وی را دولت مهدوی طوس لقب دادند. خواجه علی موید زنگار انحراف از این اندیشه را زدود.

اختلافات دو شاخه شیخیان و سربداران تا ۷۸۰ ق. ادامه داشت. امیر ولی سپاهی از استرآباد برای حمایت از یک جناح فرستاد که نتوانست اوضاع را سامان بخشد. درویش عزیز پس از شیخ خلیفه و حسن جوری، از رهبران مهم شیخی در مشروعیت سربداران نقش داشته است؛ وی با بشارت ظهور حضرت مهدی (عج) کار خود را با مرکزیت طوس آغاز کرد.^۳ درویش عزیز قیام خویش را پیش درآمد ظهور حضرت مهدی (عج) می‌پنداشت و به جنبه صوفیانه و طریقتی بیشتر اهمیت می‌داد، عقایدی که با تشیع عراق، قم و لبنان تفاوت داشت. شاخه شیخیان در تهییج مردم به قیام علیه ظلم و ستم موثر بودند و زمینه‌ی حرکت اعتراضی را برای حکومت فراهم ساختند.

بررسی سیاست‌ها مذهبی سربداران با تکیه بر مسکوکات

تاریخ سیاسی سربداران، با شواهد و مدارک سکه‌شناسی، همگون و همسان نیست. سکه‌های این دوره چندین سال پس از تثبیت حکومت، ضرب و رایج شده است که جای

۱. سید محمد حسینی، «نقش تصوف در شکل‌گیری نهضت سربداران خراسان»، ره آورد اندیشه ۱، ۱۳۸۸، ص ۸۹.

۲. محمدعلی حاجیلو (۱۳۹۰)، ریشه‌ها تاریخی تشیع در ایران، قم: آشیانه مهر، ص ۱۴۴.

۳. نهضت سربداران خراسان، ص ۹۱.

بررسی سیاست‌های مذهبی سربداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۱۳

بسی تامل و تعمق دارد. سکه‌های موجود از نظر شکل و ظاهر چندان شکیل و زیبا به نظر نمی‌رسند. سکه‌ها گرد نیستند و بیشتر شکل بیضی دارند؛ نوشته‌های روی سکه‌ها کیفیت مناسب ندارند و نوشته‌ها کم عمق هستند و همین باعث شده است که غالب سکه‌های بر جای مانده، دچار ساییدگی شدید گردند. ضرب سکه با کیفیت پائین، نشان از عدم بهره‌مندی از هنرمندان چیره‌دست و خیره دارد و شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه، در این نقص بی‌تاثیر نیست. شیوه نگارش و طراحی سکه‌های سربداران شباهت زیادی به مسکوکات اواخر ایلخانان دارد، که بیانگر تقلید از شیوه و اسلوب سکه‌زنی ایلخانان است.

سربداران در سال‌های آغازین حکومت خویش، سکه‌ای ضرب نکرده‌اند و از سکه‌های موجود ایلخانان استفاده می‌کردند. مدتها بعد که اولین سکه سربداران ضرب شد، فاقد اسم و مشخصات امیر سربدار است. شیوه و طرازی که در اولین سکه‌ها به چشم می‌خورد، شباهت زیادی به مسکوکات شاهان ایلخانی خراسان دارد. بنابراین مدارک و شواهد سکه‌شناسی، سربداران را باید به سه دوره‌ی اولیه، میانه و متاخر تقسیم کرد؛ تا شناختی کامل و جامع از تاثیر شرایط سیاسی و اجتماعی بر ضرب سکه‌ها به دست آورد.

سکه‌های دوره‌ی متقدم (از ۷۳۶ تا ۷۴۸ ق.)

سکه غالباً به نشانه‌ی استقلال و اعلام موجودیت و هویت ضرب می‌گردد، در حالی که سربداران در دوره‌ی اول حکومت خویش سکه‌ای ضرب نکرده‌اند. دوره‌ای که از شکل‌گیری حکومت سربداران در ۷۳۶ تا ۷۴۸ قمری را در بر می‌گیرد. در این فاصله‌ی زمانی، امیرانی چون عبدالرزاق، وجیه‌الدین مسعود، ای تیمور، کلو اسفندیار و امیر علی شمس‌الدین حکمرانی داشته‌اند. از امرای مذکور، شواهد سکه‌شناسی در دست نیست. سکه‌های خراسان بین سال‌های ۷۳۶ تا ۷۴۵ ق. / ۱۳۳۵-۱۳۴۴ م، مربوط به اواخر ایلخانان است. عدم ضرب سکه تا این سال، نشانه‌ی آن است که سربداران سعی نکرده‌اند خود را به طور رسمی از دولت ایلخانان کنار بکشند.^۱ اگر چه به عنوان حکومت محلی، بر بخشی از

۱. عروج و خروج سربداران، ص ۷۰.

خراسان استیلاء داشتند؛ با این وصف، برخی از محققان و مورخان نوشته‌اند: عبدالرزاق برای استحکام دولت خود اقدام به ضرب سکه کرده است؛^۱ نوشتاری که با مدارک سکه‌شناسی تأیید نمی‌گردد. عبدالرزاق چند شهر را در تصرف داشت، ولی شاهی مبنی بر ضرب سکه در این شهرها در دست نیست؛ شاید وی درصدد برآمد نسبت به طغای تیمور اظهار وفاداری کند و به همین علت سکه ضرب نکرد. این در حالی است که در ۷۳۷ ق. طغای تیمور در سبزوار سکه ضرب کرده است؛^۲ سالی که گفته شده است، شهرهای رادکان، جوین، اسفراین، جاجرم و بیارجمند تصرف شده و به نام عبدالرزاق خطبه خوانده و اعلام استقلال کردند. سکه‌ای که خطبه و استقلال عبدالرزاق را نشان دهد در دست نیست. آنچه مسلم است، عبدالرزاق و وجیه‌الدین مسعود سیاست وفاداری و روابط نزدیک با طغای تیمور را در پیش گرفتند، چرا که سکه ۷۴۰ قمری طغای تیمور در متصرفات سربداران، این باور را تأیید می‌کند. بخصوص سکه‌ای که ضرب سبزوار، مرکز حکومت سربداران، است.^۳



تصویر سکه طغای تیمور ضرب سبزوار به تاریخ ۷۴۰ ه. ق (عروج و خروج سربداران: شکل ۱۴)
 روی الف: وسط، ضرب السلطان العالم [طغای تیمور به خط ایغوری] خلدالله ملکه و در حاشیه ضرب سنه
 اربعین سبعمائه (۷۴۰ ق) سبزوار
 روی ب: وسط، لاله‌الله / محمد رسول‌الله و حاشیه در چهار گوش ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع)

۱. روضه الصفا، ج ۵، ص ۶۰۳؛ تذکره الشعراء، ص ۲۰۹؛ خواند میر (۱۳۳۳)، حبیب السیر فی اخبار افراد البشیر، ج ۳، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه خیام، ص ۳۵۷.
 ۲. عروج و خروج سربداران، ص ۷۱.
 ۳. همان، ص ۷۱.

بررسی سیاست‌های مذهبی سربداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۱۵

طغای تیمور در ۷۴۱ق. برای سلطه بر حکومت مرکزی ایلخانان تلاش کرد که منجر به شکست وی شد. در این بین مسعود، شیخ حسن جوری را از زندان آزاد کرد و به کمک او نیشابور را فتح کرد. به‌رغم آن، ضرب سکه به نام طغای تیمور در سبزوار قطع نشد و شهرهای نیشابور، طوس، جاجرم در خراسان و استرآباد، جرجان، خبوشان و ابیورد طغای تیمور را با ضرب سکه به رسمیت شناختند.^۱



تصویر سکه طغای تیمور با تاریخ ۷۴۱ق. ضرب جاجرم (عروج و خروج سربداران: شکل ۲۵)
روی الف: وسط، ضرب السلطان العالم و طغای تیمور به خط ایغوری و خلدالله ملکه و در حاشیه سنه احد و اربعین و سبع مائه (۷۴۱ق)
روی ب: لا اله الا الله / محمد رسول الله و حاشیه در چهار گوش ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع)



تصویر سکه طغای تیمور به تاریخ ۷۴۲ق. ضرب استرآباد (عروج و خروج سربداران: شکل ۳۲)
روی الف: فی ایام ضرب السلطان العالم طغای تیمور خان خلد ملکه و حاشیه ضرب فی سنه اثنتین اربعین و سبع مائه (۷۴۲ق)
روی ب: لا اله الا الله ضرب محمد استرآباد رسول الله و حاشیه ابوبکر، عمر، عثمان و علی

۱. همان، ص ۷۲.



تصویر سکه طغاتی‌مور به تاریخ ۷۴۲ ق. ضرب استرآباد (عروج و خروج سریداران: شکل ۳۴)
روی الف: فی ایام ضرب السلطان العالم العادل طغاتی‌مور خان خلد ملکه حاشیه ضرب سنه احد اربعین و
سبع مائه استرآباد
روی ب: لاله‌الاله محمد رسول‌الله و حاشیه ابوبکر، عمر، عثمان و علی

از طغای تیمور سکه‌ای ضرب آمل در دست است، که طراز و شیوه نوشتاری شیعی دارد.
از آنجا که شهر آمل یکی از مراکز مهم شیعی است و بخش عمده‌ای از جمعیت آن گرایش
به مذهب شیعه داشته‌اند، از این روی سکه مذکور به تاریخ ضرب ۷۴۲ ق. با شیوه شیعی
ضرب شده است.



سکه طغای تیمور ضرب آمل با شعائر شیعی به تاریخ ۷۴۲ ق. (عروج و خروج سریداران: شکل ۳۳)
روب الف: السلطان العالم طغا تیمور به خط ایغوری خلدالله ملکه و حاشیه ضرب آمل فی سنه اثنتین و
اربعین و سبعمائه (۷۴۲)
روی ب: الله لاله‌الا محمد رسول‌الله علی ولی‌الله سمت راست ضرب و سمت چپ آمل و حاشیه اللهم صل
علی محمد و علی و الحسن و الحسين و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و الحسن و محمد

بررسی سیاست‌های مذهبی سرداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۱۷

مسعود در دو جنگ سخت با طغای تیمور در سال‌های ۷۴۲ و ۷۴۳ ق. وی را در هم شکست و برای اولین بار فراتر از مرزهای خراسان، شهرهای جرجان، دامغان، بسطام و سمنان را گشود^۱ ولی سیاست مدارا و تعامل کم و بیش ادامه یافت. پس از شکست طغای تیمور، سکه رقیب وی، سلیمان ایلخان در خراسان و شهرهایی چون جاجرم، جرجان، دامغان و سمنان ظاهر شد.^۲ این در حالی است که مسعود شهرهای استرآباد، جرجان و قومس را تصرف کرده بود.^۳ ضرب سکه به نام سلیمان در مناطقی که تحت نفوذ سرداران است، نشان از سیاست مصلحت‌اندیشی و آینده‌نگری امیران سردار دارد.



تصویر سکه سلیمان به تاریخ ۷۴۳ ق. و ضرب سمنان (عروج و خروج سرداران: شکل ۴۶)
روی الف: ضرب السلطان العادل سلیمان خان خلد ملکه سمنان حاشیه سنه ثلث اربعین سبعائه (۷۴۳ق)
روی ب: لا اله الا الله محمد رسول الله در میان مربع و هریک از اضلاع آن ابوبکر عمر و عثمان و علی

سکه‌های سال‌های ۷۴۴ و ۷۴۵ ق. نشان از بازیابی اقتدار طغای تیمور در قلمرو سرداران است. این شرایط نشان از اتحاد و احیای روابط طغای تیمور و سرداران دارد. سکه‌های طغای تیمور و سلیمان در مناطق تحت نفوذ سرداران حکایت از ضعف و قدرت امیران حاکم بر خراسان در اراضی سرداران دارد. شواهد سکه‌شناسی دوره‌ی اول نشان می‌دهد، سرداران از اعلام رسمی حکومت خودداری کردند. امیران با تدبیر و درایت این دوره،

۱. قیام سرداران، ص ۱۴۹.

۲. عروج و خروج سرداران، ص ۷۳.

۳. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۷۳.

گرچه توانستند قلمرو خود را توسعه دهند؛ اما فرصت را برای استقلال و براءت از حکومت ایلخانی مناسب ندیدند و به همین دلیل سکه‌های مستقل ضرب نکرده‌اند.

سکه‌های دوره‌ی متقدم نشان می‌دهد تا زمانی که طغای تیمور برای تاج و تخت هلاکو قوی بوده مسعود و شاید هم عبدالرزاق سعی کردند قیامشان را به صورت اعتراض علیه علاءالدین محمد جلوه دهند و این کار را با اعلام وفاداری به طغای تیمور انجام دادند.^۱ سکه‌های حکمرانی مسعود که به نام طغای تیمور ضرب شده است، همگی با اشعار سنی است. ضرب سکه به طراز اهل تسنن، اعمال نوعی سلیقه است، یعنی مسعود خواسته مسئله‌ی امپراطوری ایلخانی را نگاه دارد. از این رو مجبور به ضرب سکه به شیوه‌ی اهل سنت شده است یا آن‌که از سیاست علنی شیعی حذر کرد تا پیروان سنی مذهب در شهرهایی چون نیشابور و یا پیروان بالقوه در هرات از جمع آنها جدا نگردند.^۲ با مرگ مسعود، سکه‌ای به تاریخ ۷۴۶ ق. به نام طغای تیمور ضرب شده است که نشان می‌دهد، به رسمیت شناختن طغای تیمور به عنوان سلطان و پرداخت مالیات ضروری بوده است.^۳



55

تصویر سکه طغای تیمور به تاریخ ۷۴۶ ق. و ضرب سبزووار (عروج و خروج سربداران: شکل ۵۵) روی الف: ضرب و نوشته به خط ایغوری [سلطان عادل طغای تیمور قان(خان)] سبزووار و حاشیه ضرب فی سنه ست و اربعین و سبعائنه
روی ب: لاله الاالله محمد رسول الله و حاشیه ابوبکر، عمر، عثمان و علی

۱. عروج و خروج سربداران، ص ۷۴.

۲. رسول جعفریان (۱۳۹۰)، تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا طلوع حکومت صفوی، تهران: علم، ص ۷۸۱.

۳. عروج و خروج سربداران، ص ۷۵.

عدم ضرب سکه از سوی امیران سربدار، می‌تواند گویای این حقیقت باشد که به‌رغم شکل‌گیری حکومت در اعتراض به شیوه حکمرانی مغولان، سیاست و شرایط روزگار ایجاب می‌نمود با حفظ ظاهر، تعامل را به جای تقابل انتخاب کنند تا بقای خود را تضمین سازند. مدارا و موافقت با تسلط مغولان سیاستی برای بقا بوده است. بنابر آنچه گفته شد، دوره‌ی متقدم را باید دوره تعامل برای حفظ حکومت قلمداد کرد. در سایه‌ی چنین تدبیری، سربداران وارد دور بعدی شدند که شرایط را برای اعلام وجود و استقلال با ضرب سکه مستقل مهیا شود. سکه‌ی این دوره، وسیله‌ای برای معامله دیپلماسی بود تا به اهداف و نیازهای خود برسند.

سکه‌های دوره میانه (از ۷۴۸-۷۵۹ ه.ق)

قدیمی‌ترین سکه شناخته شده‌ی سربداران تاریخ سال ۷۴۸ ق. / ۱۳۴۷ م. را دارد که در سبزواری و اسفراین ضرب شده است.^۱ سکه‌هایی که هیچ ایلخانی را به رسمیت نشناخته است.^۲ سکه‌های این دوره نشان می‌دهد پس از یک دوره ضعف و مدارا با طغای تیمور، سربداران به درجه‌ای از قدرت رسیدند که مستقل از طغای تیمور اقدام به ضرب سکه کردند. از سال ۷۴۸ ق. اضمحلال امپراطوری ایلخانی متجلی گشت. سربداران در چنین شرایطی بدون زحمت توانستند با ضرب سکه استقلال خویش را رسمیت بخشند. معه‌ذا همچنان سکه‌ها را محافظه کارانه بی‌نام و نشان ضرب کردند. سال ۷۴۸ ق. دو شمس‌الدین حکمرانی داشته‌اند، که اولی شمس‌الدین فضل‌الله است که به دلیل بی‌کفایتی زمینه حمله طغای تیمور را فراهم ساخت و دومی شمس‌الدین علی است که با تشکیل دولتی اعتدالی میان دو گروه شیخیان و نظامیان آشتی ایجاد کرد. وی برای پرداخت حقوق، قشون شروع به ضرب سکه‌های جدید کرد. با این گفتار و این که شمس‌الدین فضل‌الله به دلیل عدم پرداخت حقوق مردانش برکنار شد^۳ ضرب سکه‌های سال ۷۴۸ ق. را باید مربوط به

۱. سید روح‌الله پرهیزکاری، «نقش دولت سربداران خراسان در گسترش تشیع و تمدن اسلامی»، تاریخ

تمدن و فرهنگ اسلامی، س ۴، ش ۱۳، ۱۳۹۲، ص ۴۵.

۲. عروج و خروج سربداران، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۷۶-۷۷، قیام سربداران، ص ۱۶۶.

شمس‌الدین علی دانست که شخصیتی شایسته داشته است. بنا بر آنچه یاد شد، اولین و کهن‌ترین سکه سربداران مربوط به شمس‌الدین علی است که بین سال‌ها ۷۴۸ تا ۷۵۲ ق. حکمرانی داشته است. سکه‌های مستقل سربداری که توسط شمس‌الدین علی آغاز شد دارای طراز سنی است (تصویر یک). وی با درآویش ارتباط نزدیک داشته و چنین بر می‌آید که یک نفر شیعی مذهب بوده است. از سخت‌گیری مذهبی وی که بازتاب تلاش وی برای اعمال تتوکراسی رادیکال شیعی در دولت سربداران است^۱ سخن رفته است. شمس‌الدین علی زمانی قدرت یک دولت مذهبی سیاسی را در دست گرفت که به‌شدت از خارج توسط طغای تیمور تهدید می‌شد. بنابراین ضرورت سیاسی ایجاد می‌کرد به‌طور موقت از مجادله بپرهیزد و عرف و عادات تسنن را دنبال کند.^۲



تصویر ۱. سکه نوع تسنن به تاریخ ۷۴۸ ق. (موزه ملی ملک، شماره اموال ۳۰۰۱۰۶۰۰۱۰۰)

روی الف: وسط لاله‌الله / محمد رسول‌الله و حاشیه ابوبکر/ عمر / عثمان/ علی

روی ب: ضرب / ثمان و اربعین و سبعمائه / سنه / اسفراین

سکه‌های شمس‌الدین علی در درجه اول، برای سامان بخشیدن به امور پولی و ایجاد یک نظام هماهنگ مالی ضرب و رایج شده و در درجه دوم، از نظر معذوریت‌های مذهبی به‌رغم گرایش به مذهب تشیع از علنی کردن آن بر سکه خودداری کرده است. بنا براین عدم ضرب سکه با گرایش واقعی شمس‌الدین علی، نشان از شکننده بودن استقلال

۱. عروج و خروج سربداران، ص ۸۸.

۲. تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا طلوع حکومت صفوی، ص ۷۸۱.

بررسی سیاست‌های مذهبی سریداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۲۱

سريداران در اين بازه زماني دارد. چنانچه سال ۷۵۲ ق. وضعيت برگشت و سکه‌های طغای تیمور در سبزووار، اسفراین، نیشابور، جاجرم و سمنان که همه آنها تحت سلطه سریداران بود، ضرب شد که مبین تسلیم ایشان در برابر طغای تیمور است.^۱



61

تصویر سکه طغای تیمور به تاریخ ۷۵۲ ق. و ضرب اسفراین (عروج و خروج سریداران: شکل ۶۱) روی الف: ضرب السلطان الاعظم طغای تیمور خان خلدالله ملکه اسفراین و حاشیه ضرب فی سنه اثنین و خمسين و سبع مائه
روی ب: لاله الاالله محمد رسول الله و حاشیه ابوبکر، عمر، عثمان و علی

با قتل شمس‌الدین علی در ۷۵۲ ق. و جانشینی یحیی کراوی، وی سیاستی دوگانه نسبت به طغای تیمور در پیش گرفت. از یک سوی، مترصد فرصتی برای قتل و نابودی وی بوده و از سوئی دیگر، طوری وانمود کرد که به وی وفادار است. وی که در امور داخلی، سیاستی اعتدالی در پیش گرفت؛ در سیاست خارجی با تظاهر به تعامل، دنبال فرصتی برای نابودی طغای تیمور بوده است. سرانجام این اتفاق در ۷۵۴ ق. روی داد و در یک غافلگیری، وی را به قتل رساند^۲ و پایه‌های حکومت سریداران را تقویت کرد.

۱. عروج و خروج سریداران، ص ۷۹.

۲. قیام سریداران، ص ۱۸۲.



68

تصویر سکه سربداران با شعار سنی به تاریخ ۷۵۹ ق. ضرب اسفراین (عروج و خروج سربداران: شکل ۶۸) روی الف: دایره وسط بمدینه اسفراین و ستاره هشت پر ضرب فی شهر تسع و خمسين و سبعمائه (۷۵۹ ق.).
روی ب: فضای چهارگوش با حروف کوفی بنائی لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و حاشیه ابوبکر، عمر، عثمان و علی



69

سکه سربداران به تاریخ ۷۵۹ ق. و ضرب سبزوار (عروج و خروج سربداران: شکل ۶۹) روی الف: دایره وسط بمدینه سبزوار و ستاره هشت پر ضرب فی شهر سنه تسع و خمسين و سبعمائه روی ب: لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و حاشیه ابوبکر عمر عثمان و علی
منابع و شواهد سکه‌شناسی سال‌های ۷۵۳ تا ۷۵۹ ق. چندان شناخته شده نیستند. عدم وجود سکه‌ی سربداری نکته‌ای سؤال برانگیز است، شاید عدم کشف و یا بازخوانی تاریخ‌های مذکور در میان سکه‌ها، عامل این عدم شناخت باشد. بررسی سکه‌های موجود در موزه‌ها و خزانه‌های کشور، پاسخگوی بخشی از ابهام است. به هر حال در این سال‌ها، حاکم بلامنازع سربداران، یحیی کراوی بوده است که مدتی نسبتاً طولانی بر قلمرو سربداران حکومت نموده است. از ۷۵۹ ق. به بعد تعداد قابل توجهی سکه از سربداران در

بررسی سیاست‌های مذهبی سربداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۲۳

اختیار است. محل ضرب مسکوکات سال ۷۵۹ ق. شهرهای سبزوار، اسفراین، نیشابور، طوس و دامغان است^۱ که نشان از وسعت قلمرو سربداران نیز دارد. واقعیت جالب توجه این است که تمام سکه‌های سال ۷۵۹ ق. به استثنای سه نمونه از سکه‌های شهر دامغان دارای طراز مذهبی اهل تسنن با اسامی چهار خلیفه است.^۲ سکه‌های پیش از ۷۵۹ ق. سربداران به کلی دارای سبک سنی است. این یافته‌ها، نشانگر این است که دولت سربداران دست کم در خلال سال ۷۵۹ ق. به‌طور رسمی در بینش سنی‌گری باقی مانده است. این در حالی است که منابع غیر سکه‌ای، سربداران را از آغاز شیعی دانسته‌اند. شاخصه‌ی سکه‌های اهل تسنن به شرح ذیل است؛ بر یک روی لاله‌الاله / محمد رسول‌الله در وسط و حاشیه ابو بکر، عمر، عثمان و علی؛ بر روی دیگر تاریخ و محل ضرب آمده است.^۳

سکه‌های دوره‌ی متاخر (۷۵۹-۷۸۳ ق)

دوره‌ی متاخر از ۷۵۹ ق. آغاز می‌گردد که چند نمونه سکه به طراز و اشعار شیعی در شهر دامغان ضرب و رایج شده است. پس از آن در خلال سال‌های ۷۶۰ تا ۷۸۳ ق. و انقراض این سلسله، تمام سکه‌ها سبک و سیاق شیعی را حفظ کرده است.

در حقیقت دوره‌ی متأخر را باید دوره اعلان عمومی و بی‌پاکانه مذهب شیعه توسط امیران سربداری خواند.^۴ سکه‌های سربداران پیش از ۷۵۹ ق. غالباً با اشعار و کتیبه‌های رایج اهل تسنن نقش شده است. این یافته‌ها، نشانگر آن است که دولت سربداران دست کم در خلال سال ۷۵۹ ق. به‌طور رسمی بینش سنی‌گری داشته است و فقط در میانه‌ی سال‌های ۷۵۹ تا ۷۶۳ ق. است که این دولت بینش خود را به تشیع تغییر داده است. به‌رغم

۱. عروج و خروج سربداران، ص ۸۳.

۲. تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا طلوع حکومت صفوی، ص ۷۸۰.

۳. اسدالله معطوفی (۱۳۹۲)، سکه‌ها طبرستان، گرگان و استرآباد، تهران: پازینه، ص ۲۰۳.

۴. نک: روضه الصفا، ج ۵، ص ۱۰۰۷؛ شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین عاملی جزینی مکی (شهید اول)، (۱۴۱۴ق)، غایه المرادفی شرح نکت الارشاد، ج ۱، به تصحیح رضا مختاری و دیگران، قم: مرکزالابحاث والدراسات الاسلامیه و زین‌الدین بن علی عاملی (شهید ثانی) (۱۴۱۰ق)، شرح لمعه (الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة)، ج اول، قم: داوری، ص ۱۰۸.

آنکه عقیده عمومی مبنی بر این است که تمام سریداران شیعی رادیکال بوده‌اند؛ منابع مکتوب نیز سریداران را از ابتدا شیعه مذهب خوانده‌اند، ولی سکه‌ها نشان می‌دهد تا پیش از ۷۵۹ ق. مذهب تشیع رسمیت نداشته است و از زمان خواجه علی موید رونق گرفته است. از سوئی، ضرب سکه‌های شیعی دامغان، به سال ۷۵۹ ق. را شاید بتوان به شورش علی موید و درویش عزیز علیه حسن دامغانی ارتباط داد که با روایات تاریخی و سالشمار حکومت وی، تطابق و همسانی ندارد. سال جلوس حسن دامغانی در منابع ۷۶۲ ق. و علی موید سال ۷۶۶ ق. آمده است. با این وصف، انتساب سکه‌ی ۷۵۹ ق. به علی موید غیرممکن و اشتباه است. مگر آنکه به سالشماری که سال قدرت رسیدن حسن دامغانی را ۷۵۹ ق. آورده است استناد نمائیم. با پذیرش این تاریخ، ارتباط سکه‌های شیعی و علی موید که در آغاز حکمرانی دامغانی دست به شورش زد، آشکار می‌گردد. چنانچه سال جلوس دامغانی را ۷۵۹ ق. بدانیم و مدت حکمرانی وی را چهار سال و اندی برشماریم، سال ۷۶۳ ق. سال قتل وی و جانشینی علی موید است. برهه‌ای که تولید سکه‌های شیعی یکنواخت سربداری شدت می‌گیرد. چهار نمونه از سکه‌های استثنائی سال ۷۵۹ ق. موجود در این مقاله و تمام سکه‌های متاخر سربداری دارای فرمول شیعی است.^۱



تصویر ۲. سکه نوع شیعی به تاریخ احتمالی ۷۵۹ (نگارندگان، موسسه فرهنگی موزه‌ها بنیاد)

روی الف: وسط لاله‌الاله / محمد رسول‌الله / علی ولی‌الله و حاشیه [اللهم صلی علی محمد و علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی] و محمد [الحجه] روی ب: وسط بمدینه استرآباد و حاشیه [.....] خمسین و سبعمائنه (۷۵؟)

۱. عروج و خروج سریداران، ص ۸۵-۸۴، تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا طلوع حکومت صفوی، ص ۷۸۰.

بررسی سیاست‌های مذهبی سریداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۲۵

یک سکه قابل توجه از سال ۷۵۹ ق. در دست است، که عبارات عجیب سلطان محمد مهدی بر روی آن نقر شده است که احتمالاً این سکه توسط درویش عزیز مجدی ضرب شده است که براساس وعده ظهور مهدی موعود (عج) که شیخ حسن جوری داده بود، زمان خروج [حضرت] مهدی(عج) را با این عبارت نشان داده است.^۱



تصویر سکه با شعار سلطان محمد مهدی به تاریخ ۷۵۹ ق. (اسمیت، ۱۳۶۱: شکل ۷۶)

روی الف: دایره وسط السلطان محمد مهدی و بین دایره و طرح هشت گوش ضرب فی شهر تسع و خمسين و سعمائه
روی ب: وسط فضای شش گوش لاله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله و حاشیه اللهم صل علی محمد و علی و حسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و علی و محمد و علی و الحسن و محمد الحجه

سکه‌های سال ۷۵۹ ق. نشانگر گسترش قدرت حسن دامغانی در سال‌های میانه حکومت است. حکومتی که در سبزوار، اسفراین، نیشابور و طوس به رسمیت شناخته شده بود. دامغان نیز به‌رغم آن که در تصرف علی موید است ولی بخشی از قلمرو حسن دامغانی به شمار می‌آید.^۲ پس از این ماجرا تا سال ۷۶۳ ق. که خواجه علی موید به حکمرانی رسید سکه، طراز شیعی ندارد تا آن‌که در این سال، سکه‌های شیعی رواج می‌گیرد. سکه‌ای از پهلوان حسن دامغانی سریداری در ۷۶۳ ق. در دست است که نام دوازده امام در حاشیه آن آمده است. سکه‌های سال ۷۶۳ ق. طراز شیعی دارد ولی نشانی از مهدویت بر آن مشهود

۱. عروج و خروج سریداران، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۹۲.

نیست.^۱ خواجه علی در عین آنکه شیعی بود، اما تفکر شیخیان را در این زمینه نپذیرفت و عزیز مجدی را که زمانی وی را در برابر پهلوان حسن دامغانی کمک کرده بود به قتل رساند.^۲



تصویر ۳. سکه نوع شیعی به تاریخ ۷۸۰ ق (نگارندگان، موسسه فرهنگی موزه‌ها بنیاد)

روی الف: وسط لاله الاالله/محمد رسول الله/علی ولی الله و حاشیه [اللهم صلی علی محمد و علی والحسن] والحسین و علی و محمد [و جعفر و موسی و علی] و محمد و علی و الحسن و محمد الحجه
روی ب: بمدینه اسفراین؟ سنه ثمانین و سبعمائنه (۷۸۰)

از نکات جالب توجه در سکه‌شناسی این عصر، وجود سکه‌های امرای سنی مذهب در مناطقی است که در سرزمین شیعی نشین حاکمیت دارند و به ملاحظه شیعیان، گاه سکه با فرمول شیعی ضرب کرده‌اند. امیر ولی از جمله دشمنان سریداران بود که در مازندران حاکمیت داشت و به خاطر حضور شیعیان در این خطه، سکه‌هایی با اشعار و سبک شیعی ضرب کرده است در حالی که در ادوار دیگر، سکه‌ها به طراز سنی ضرب شده است. طغای تیمور به سال ۷۴۲ ق. در آمل که شهری شیعی نشین بود، سکه شیعی ضرب کرده است.^۳

ضابطه‌ی مذهبی سکه‌های طراز شیعی عبارات «علی ولی الله» و اسامی دوازده امام (ع) است. سکه‌ای از علی موید (۷۶۶-۷۸۳ ق.) با تاریخ ضرب ۷۷۰ ق. و بدون قید محل ضرب در دست است که کتیبه‌های متنوعی دارد. بر یک روی سکه «صلی الله لاله الاالله

۱. همان.

۲. تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا طلوع حکومت صفوی، ص ۸۷۳-۸۷۰.

۳. عروج و خروج سریداران، ص ۲۵۵.

بررسی سیاست‌های مذهبی سربداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۲۷

الملك الحق مبین / محمد رسول الله / الصادق الوعد الامین / علی ولی الله امیر المومنین علیهم در وسط و در حاشیه اللهم صل علی محمد المصطفی و علی الولی و حسن الرضا و حسین الشهيد و علی زین العابدین و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی کاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و حسن العسکری و محمد الحجه خلف الله» آمده است. بر روی دیگر سکه «قل اللهم مالک الملك توتی الملكمن تشاء و تنزع الملك ممن و تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شی قدیر» (آل عمران آیه ۲۶) و در حاشیه داخلی «ضرب فی شهر سنه سبعین و سبع مائه» و حاشیه داخلی «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون علی المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المومنین» (آیه ی ۱۱۲ سوره توبه) نوشته شده است.^۱



تصویر سکه نوع شیعه به تاریخ ۷۷۰ ق. (عروج و خروج سربداران: شکل ۱۱۱)

در ترویج فرهنگ انتظار به مثابه یکی از مولفه‌های اصلی تشیع، سربداران نام امام مهدی (عج) را بر سکه‌ها آورده‌اند. سکه یاد شده ضرب سبزوار است و در حاشیه «اللهم صل علی محمد المصطفی و علی المرتضی و الحسن الرضا و الحسین الشهيد علی زین العابدین و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی کاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و حسن العسکری و محمد حجه الله» آمده است. ضربخانه‌های شناخته شده بر سکه‌های سربداران؛ استرآباد، اسفراین، دامغان، جاجرم، سبزوار، طوس، نیشابور، سمنان و ری هستند.^۲ در مجموع سکه‌های دوره متأخر که طراز شیعی را الگوی خود قرار داده در

۱. همان، ص ۲۵۹؛ سکه‌ها ایران، ۲۸۰.

۲. همان، ص ۲۲۶.

حدود ربع قرن تداوم یافت و به نسبت دو دوره‌ی متقدم و میانه، طولانی‌تر است. آنچه که سکه‌های این دوره را از سکه‌های پیشین متمایز می‌سازد، تنوع کتیبه‌ها و مضامین آنهاست. شاخصه‌ی این سکه‌ها، شعار علی ولی‌الله و اسامی ائمه اطهار است که گرچه سابقه داشته است؛ ولی ویژگی‌های منحصر سکه‌های این دوره، استفاده از شعار السلطان مهدی محمد است که آن را از بقیه‌ی نمونه‌های مشابه متمایز ساخته است.

نتیجه

قیام موثر سرداران با زمینه‌سازی‌ها و تهییج فکری شیخ خلیفه برای مبارزه و ظلم‌ستیزی شکل گرفت و در اندک زمانی توسعه و ترقی یافت. دو گروه نظامیان و شیخیان به مانند دو بازوی قدرتمند این قیام، توانستند نهضت را به سرانجام برسانند. قیامی که به بهانه‌ی تظلم‌خواهی آغاز شد و با پایه‌های مذهبی و اعتقادی خود در اندک زمان ممکن، از مرزهای خراسان فراتر رفت و سرزمین‌های وسیعی را در سیطره خود گرفت حکومتی بنیاد گرفت که حاکمان آن با رعایا غذا می‌خوردند و اموال خویش را با آنان تقسیم می‌کردند. چنین سلسله‌ی حکومتی برای نظم امور دیوانی و تبلیغ افکار و اندیشه‌ها و سیاست‌های مذهبی خود نیازمند ضرب سکه بوده است. سکه که نمود و نمایشی از افکار و عقاید حاکمیت است؛ در این دوره، با اندکی تاخیر ضرب شده و رواج یافت. چرائی آن گرچه به یقین مشخص نیست، اما می‌توان باور داشت، عدم ضرب سکه و بهره‌مندی از مسکوکات مغول‌ها به خصوص طغای تیمور در متصرفات سرداران نشانه‌ای از سیاست تعامل به جای تقابل است. تا بدین وسیله ضمن تضمین بقای خویش، زمینه‌ی پیشرفت را فراهم آورند. سیاستی که بعدها منجر به نابودی مغول‌ها و قدرت و نفوذ بیشتر سرداران در بخش وسیعی از شرق تا شمال ایران گردید. گرچه غالب منابع، سرداران را شیعیان رادیکال یاد کرده‌اند و حکومت آنان را نظامی دین‌سالار خوانده‌اند؛ ولی سکه‌های برجای مانده نشانگر سه دوره متمایز است که دو دوره‌ی آن تعامل با اهل تسنن و قدرت مغول‌ها را نشان می‌دهد. دوره اول را با سکه‌های مغول، به خصوص سکه‌ی طغای تیمور سپری کرده‌اند. دوره دوم که از ۷۴۸ ق. آغاز شد، اولین سکه‌های مستقل سرداری با نشانه‌های مذهبی

اهل تسنن رواج یافت. سکه‌هایی که بی شک نشانه‌ای از مصلحت‌اندیشی و آینده‌نگری امیران داشته است. معنای ضرب این گونه سکه‌ها، درایت و تدبیر است تا بدین سان طرفداران سنی مذهب خود را برای خویش نگهدارند و از سوی دیگر، از قدرت و نفوذ رقیب برای حفظ و بقا خود بهره گیرند. قیامی که مبنای آن ستیز با ستم بر پایه افکار و اندیشه‌های شیعی شکل گرفت؛ ولی با قبول سکه‌های اهل تسنن به دنبال اهدافی والاتر است. به همین دلیل با ایجاد فرصت مناسب در دوره‌ی سوم، سکه‌هایی با سبک و طراز شیعی ضرب و متداول شد. سکه‌هایی که نشان می‌دهد حاکمان تصمیم دارند، حکومت خویش را از بقیه حکومت‌ها جدا و متمایز سازند. سکه‌های این دوره نشان از انقلابی متهورانه دارد. شعار شیعیان با «علی ولی‌الله» و یاد کردن دوازده ائمه شیعی بر سکه‌ها متجلی است. شعار و نام‌هایی که یاد آنها نشانه‌ی کامل‌ترین گرایش شیعی است. نکته‌ی جالب توجه بر سکه‌های این دوره‌ی سربداران، بهره‌مندی از شعار «السلطان محمد مهدی» است که در هیچ دوره‌ای تا پیش از این، نظیر و بدیل نداشته است. شعاری که سکه‌های این دوره را از بقیه سکه‌های شیعی در قبل و بعد، جدا و متمایز ساخته است. آنچه از مجموع سکه‌های سربداران قابل درک و فهم است، سیاست تعامل و مصلحت‌اندیشی و رادیکالیسم دینی بر اساس نظام دین‌سالار در شرایط اجتماعی و سیاسی مختلف است. آنجا که شرایط اجازه انتشار افکار و عقاید را نداده است با مدارا منتظر فرصت مناسب ماندند تا با آماده شدن شرایط، افکار و اندیشه‌های انقلابی خود را تبلیغ و ترویج نمایند.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن بطوطه (۱۳۴۸)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسمیت، جان مسن (۱۳۶۱)، *عروج و خروج سرداران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی و تاریخی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، *مراه البلدان*، با تصحیحات و حواشی و فهارس عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۴)، *قیام سرداران*، تهران: گستره.
- برهیزگاری، سید روح الله، «نقش دولت سرداران خراسان در گسترش تشیع و تمدن اسلامی»، *فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۴، ش ۱۳، ۱۳۹۲، ص ۳-۵۰.
- بطروشفسکی، ای. پ. (۱۳۶۱)، *نهیضت سرداران خراسان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۰)، *تاریخ تشیع در ایران: از آغاز تا طلوع حکومت صفوی*، تهران: علم.
- جعفری مذهب، محسن، «استقرار تشیع در حکومت سرداران»، به راهنمایی دکتر علی بیگدلی، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
- حاجیلو، محمدعلی (۱۳۹۰)، *ریشه‌ها تاریخی تشیع در ایران*، قم: آشیانه مهر.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۸)، *نقش تصوف در شکل‌گیری نهضت سرداران خراسان*، ره آورد اندیشه، س ۱، ش ۱، ص ۷۵-۱۰۰.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۳۳)، *حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر*، مقدمه جلال‌الدین همائی زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه خیام.
- دولت‌شاه سمرقندی، امیر علاء‌الدین بختیشاه (۱۳۳۸)، *تذکره الشعراء*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رضوی، رسول، «مهدویت در میان سرداران، مجله موعود مشرق»، س ۱، ش ۳، ۱۳۸۶، ص ۹۹-۱۱۰.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۵۳)، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران: امیر کبیر.
- محمد شبانکارها (۱۳۷۶)، *مجمع الانساب*، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰)، *شرح لمعه (الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیة)*، قم: داوری
- عاملی جزینی مکی، شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین (شهید اول)، (۱۴۱۴ق)، *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد*، ج ۱، به تصحیح رضا مختاری و دیگران، قم: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.
- فتحی‌نیا، مهدی، «رابطه دین و دولت نزد سرداران»، *تاریخ در آئینه پژوهش*، س ۶، ش ۳، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸-۱۸۱.

بررسی سیاست‌های مذهبی سربداران (۷۸۳-۷۳۷ق) با تکیه بر مسکوکات ۱۳۱

- فصیح خوافی، احمد بن جلال‌الدین (۱۳۳۹)، *مجمعل فصیحی (مجمعل التواریخ)*، به تصحیح ایرج اقشار، تهران: اساطیر.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۶)، *بحارالانوار لجامه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، تهران: اسلامیه.
- مجموعه مسکوکات موزه ملی ملک.
- مجموعه مسکوکات موسسه فرهنگی موزه‌ها بنیاد مستضعفان.
- مرادی نسب، حسین، «دولت سربداران و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در قرن هشتم»، *تاریخ در آئینه پژوهش*، ش ۴، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶-۱۴۳.
- مرعشی، میرسید ظهیرالدین بن نصیرالدین (۱۳۴۵)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، با مقدمه محمدجواد مشکور، به‌کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۹۲)، *سکه‌ها طبرستان گرگان و استرآباد*، تهران: پازینه.
- میرخواند، محمدبن خاوند شاه بلخی (۱۳۷۵)، *روضه الصفا*، به‌کوشش عباس زریاب خوئی، تهران: علمی.